

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید- سال پنجم- شماره یکم- بهار ۱۳۹۸- شماره پیوسته ۲۳

عمده فرایندهای واجی تضعیف در گویش هندیونی

(ص ۹۳-۱۰۸)

آزاده عبادی (نویسنده مسئول)^۱، الخاص ویسی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۳۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف از جستار حاضر که عمدتاً توصیفی- تحلیلی است، بررسی فرایندهای واجی تضعیف موجود در گویش هندیونی در چارچوب واج‌شناسی زایشی است. داده‌های پژوهش به روش ضبط و یادداشت‌برداری مکالمه گویشوران کم‌سواد تا بی‌سواد جمع‌آوری شد، به‌علاوه یکی از نگارندگان بر گویش هندیونی کاملاً مسلط بوده و از شمّ زبانی خود نیز بهره برده است. داده‌های مورد بررسی بر اساس الفبای IPA آوانگاری شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فرایندهای تضعیف در گویش هندیونی به ترتیب بسامد عبارتند از: همگونی، مرکزی‌شدگی و حذف. دامنه عملکرد فرایند تضعیف در پایان هجاست. واژه /æ/ در زبان فارسی معیار، در گویش هندیونی در پایان هجا به /ə/ تبدیل می‌شود. همخوان‌های h, v, t, d در انتهای هجا یا واژه، در گویش هندیونی حذف می‌شوند. همگونی موجود در گویش هندیونی بیشتر از نوع همگونی همخوان با همخوان بوده و همگونی در شیوه تولید به همگونی کامل منجر می‌شود.

کلمات کلیدی: تضعیف، واج‌شناسی زایشی، گویش هندیونی، مرکزی‌شدگی، حذف، همگونی.

^۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان انگلیسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

Email: Azadeh.ebadi61@gmail.com

Email: elkhas@yahoo.com

^۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، ایران.

۱. مقدمه

بندر هندیجان یکی از بندرهای قدیمی کرانه خلیج فارس است که در جنوب شرق استان خوزستان و در فاصله ۱۸۵ کیلومتری از اهواز واقع شده است. جمعیت بندر هندیجان بر اساس آخرین سرشماری، ۴۱ هزار نفر است. این شهرستان دارای ۲۰ روستا است و گویش آن «هندیونی» - از جمله گویش‌های رایج در استان خوزستان - است.

برخی این گویش را گونه‌ای از گویش بختیاری می‌دانند. مردم بومی هندیجان به لهجه‌ای ساده از زبان فارسی صحبت می‌کنند. کسانی که اولین بار این لهجه را بشنوند احساس نزدیکی بین لهجه منطقه خود با لهجه هندیجانی (هندیونی) می‌کنند. مثلاً لرها در اولین برخورد، فکر می‌کنند که این همان لهجه لری است ولی موقع صحبت کردن، متوجه می‌شوند که اختلاف قابل توجه‌ای بین لهجه آن‌ها و هندیونی وجود دارد. از نظر رده‌شناسی، گویش هندیونی گویشی متعلق به خانواده زبان‌های ایرانی نو غربی است و به دلیل وجوه اشتراک فراوانی که با گویش‌های لری دارد یکی از گونه‌های آن به شمار می‌آید. لری هندیونی دارای دو گونه هندیونی شمالی و هندیونی جنوبی است که بعضاً به لحاظ آوایی و واژگانی با هم تفاوت‌هایی دارند اما گستره این تفاوت به دامنه دستور زبان کشیده نشده است.

گویش هندیونی مانند سایر گویش‌ها و لهجه‌ها بخش مهمی از فرهنگ و آداب و رسوم نقاطی شمار می‌رود که به دلایل مختلف در حال از بین رفتن است؛ از این رو بررسی و تحلیل ساخت آوایی، دستوری و معنایی این گویش، در حفظ، تقویت و احیای آن نقش مهم و اساسی است. در همین راستا، این بررسی به مطالعه فرایندهای واجی تضعیف در گویش هندیونی می‌پردازد. جستار حاضر به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای پرسش‌های ذیل است:

۱. فرایندهای تضعیف در چه جایگاهی از هجا واقع می‌شوند؟

۲. بسامد و فراوانی کدام یک از فرایندهای واجی تضعیف در گویش هندیونی بیشتر است؟

۲. پیشینه پژوهش

تا جایی که نگارندگان این پژوهش اطلاع دارند، در مورد فرایندهای واجی در گویش هندیونی پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته است. از پژوهش‌های انجام شده بر روی گویش هندیونی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

شعبانی (۱۳۸۴) به بررسی نظام آوایی و واژگان گویش هندیجانی پرداخته است؛ وی ۲۵ همخوان و ۶ واکه و نیز ۲ همخوان مرکب را در این گویش تشخیص داده است.

عبادی (۱۳۸۸) به بررسی عوامل انسجام بخش متنی در گویش ماهشهری - که ارتباط بسیار نزدیکی با گویش هندیونی دارد- بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی پرداخته است. در مورد فرایندهای واجی در گویش‌های دیگر نیز تحقیقاتی انجام شده است که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

آقا گل‌زاده (۱۳۸۴) با روش تحلیلی - توصیفی به توصیف و تبیین برخی از ویژگی‌های فعال آوایی و فرایندهای واج شناختی گویش مازندرانی پرداخته است. منظور از فرایندهای فعال، فرایندهای واجی از قبیل فرایند تشدید عارضی، همگونی و تضعیف یا نرم‌شدگی است. داده‌های تحقیق وی نشان داده است که از میان فرایندهای تضعیف، تقویت و همگونی فرایند تضعیف و همگونی بیش از فرایند تقویت در گویش مازندرانی فعال‌اند. در گویش مازندرانی، به‌خصوص در بخش‌های مرکزی و شرقی مازندران، واژه‌ها دستخوش فرایند همگونی کامل شده‌اند، در حالی که در مناطق غربی مازندران اینگونه واژه‌ها هنوز به فرایند همگونی کامل نرسیده‌اند.

زعفرانلو و شعبانی (۱۳۸۶) به توصیف فرایندهای واجی در گویش گیلکی رودسر پرداخته‌اند. در این پژوهش مشخص شده است که همگونی، حذف، تبدیل، تضعیف، قلب، و کشش جبرانی از فرایندهایی هستند که در این گویش وجود دارند. از بین فرایندهای بررسی شده، قواعد همگونی، حذف و تضعیف از پرسامدترین فرایندها و تبدیل خوشه‌های nn به nd از کم‌سامدترین آن‌ها در این گویش به شمار می‌رود.

شیرازی و دیگران (۱۳۸۸) به بررسی فرایندهای واجی در گفتار کودکان فارسی زبان دو تا چهارساله پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که تفاوت جنسی، تأثیری در چگونگی فرایندهای واجی ندارد. اما با افزایش سن، فرایندهای واجی رو به کاهش می‌روند که می‌تواند نشانگر رشد ادراکات واجی و تسلط بیشتر کودکان بر نحوه تلفظ لغات باشد.

کردی (۱۳۹۰) با پرداختن به فرایندهای واجی و مشخص کردن مرز میان انواع آن‌ها و ذکر شواهدی از متون ادب فارسی، تلاش کرده است تا ابهام موجود در این زمینه را در کتاب زبان فارسی سوم متوسطه برطرف کند.

کامبوزیا و ثباتی (۱۳۹۲) به شناسایی برخی از مهم‌ترین فرایندهای واجی موجود در همخوان‌های گویش کردی کلهری بر اساس چارچوب واج‌شناسی زایشی پرداخته‌اند. با بررسی داده‌ها انواع فرایندهای واجی از قبیل همگونی، حذف در جایگاه میانی و پایانی، درج آغازی و میانی، تضعیف، تقویت و قلب یافت شده‌اند. پر‌سامدترین فرایندهای واجی در این گویش حذف و تضعیف و کم‌سامدترین فرایند واجی، درج بوده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

واج شناسی زایشی از اواسط دهه ۱۹۵۰ به بعد با انتشار اثر معروف چامسکی و هله به نام "انگاره آوایی زبان انگلیسی" (SPE) مطرح شد. اصلی‌ترین هدف دستور زایشی، پاسخ به مسأله‌ای است که چامسکی (۱۹۶۸) آن را مسأله افلاطون می‌نامد. وی در پاسخ به این مسأله می‌گوید: از آنجا که کودک در بدو تولد مجزه به دانش زبانی زیستی و ذاتی است، قادر است داده‌های محدود و اندک را به نظامی پیچیده و غنی مبدل سازد. چامسکی پس از سی سال کار بر روی مسأله افلاطون پیشنهاد می‌کند که بهتر است در نظریه زایشی به جای تأکید بر تفاوت‌های موجود در زبان‌ها به شباهت‌های میان آن‌ها نیز توجه شود (نک: کنستویچ، ۱۹۹۴:۲).

بی جن خان (۱۳۸۴:۹) هدف واج‌شناسی زایشی را فراهم آوردن نظریه‌ای می‌داند که فرایندهای واجی رایج در زبان‌های بشری را در چارچوب پارامترهای توصیفی یک انگاره به دست دهد.

به طور کلی، زبان‌شناسان زایشی هنگام بررسی نظام آوایی به سه تعمیم قائلند:

۱. کشف قاعده‌مندی‌هایی که فهرست عناصر واجی زبان از جمله واکه‌ها، همخوان‌ها، نواخت‌ها و هجا را به دست دهد؛
۲. تعیین الگوی توزیع این عناصر (واج آرایی)؛
۳. تعیین و کشف تناوب‌ها و گونه‌های مختلف تلفظ واژگان در جمله (کنستویچ، ۱۹۹۴:۵۷).

۴. روش تحقیق

این تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و به صورت میدانی و با استفاده از روش ضبط و یادداشت‌برداری کلام گویشوران بومی مسن کم‌سواد تا بی‌سواد شهرستان هندیجان صورت گرفته است. ضمناً یکی از نگارندگان، مسلط به این گویش بوده و از ششم زبانی وی نیز استفاده شده است. به‌علاوه، از از پایان‌نامه‌ها و مقالات مرتبط با موضوع پژوهش نیز بهره گرفته شده است.

۴-۱. معرفی همخوانها، واکه‌ها و ساختمان هجا در گویش هندیونی

گویش هندیونی دارای ۲۶ همخوان (p, b, t, d, k, g, q, tʃ, dʒ, f, v, s, ʃ, z, ʒ, χ, h, m, n, l, r, j, ŋ, w, γ) و ۶ واکه ساده (i, e, æ, o, ā, ū) و ۳ واکه مرکب (ej, uj, ow) و نیز واکه مرکزی (ə) است. ساختمان هجا در گویش هندیونی به صورت CVCVCV است. در ساخت هجای گویش هندیونی قبل از واکه یک همخوان و بعد از واکه نیز یک همخوان می‌تواند قرار گیرد.

۴-۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۲-۱. فرایند تضعیف^۱

در آواشناسی، سه نوع بست همخوانی انسدادی، سایشی و ناسوده وجود دارد؛ به این ترتیب که انسدادی‌ها مسیر عبور جریان هوا را قطع می‌کنند؛ سایشی‌ها باعث ایجاد اغتشاش و سایش در مسیر عبور هوا از مجرای گفتار می‌شوند و ناسوده‌ها هیچ اغتشاشی در حالت واکدار در جریان عبور هوا ایجاد نمی‌کنند(نک: کت فورد، ۱۹۸۸:۷۰).

آواهایی که با قدرت ماهیچه‌ای و نیروی تنفس زیاد تولید می‌شوند، قوی و سایر آواها در مقایسه با آن‌ها ضعیف نامیده می‌شوند. بنابراین، آواهای بی‌واک، قوی و آواهای واکدار، ضعیف هستند. در تضعیف، نیروی ماهیچه‌ای و جریان هوا ضعیف می‌شود؛ مثل تبدیل آواهای بی‌واک به واکدار(نک: کریستال، ۱۹۹۲:۱۴۳). کول (۲۰۰۷:۱۶۰) تضعیف را معادل ساده‌سازی می‌داند.

مرکزی شدگی، حذف و همگونی از جمله فرایندهایی هستند که در گویش هندیونی وجود دارد و در این پژوهش به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۴-۲-۲. مرکزی شدگی^۲

مرکزی شدگی که یکی از فرایندهای تضعیف به شمار می‌آید؛ به فرایندی گفته می‌شود که بر اساس آن، واکه‌های اصلی^۳ به سوی واکه‌های مرکزی پیش رفته و تلفظ آن واکه تغییر می‌کند. یکی از رایج‌ترین واکه‌های مرکزی "شوا" است (نک: کت فورد، ۱۵۱:۲۰۰۱). واکه‌های مرکزی واکه‌هایی هستند که در جدول واکه‌ها بین واکه‌های پیشین و پسین قرار گرفته‌اند. مرکزی شدگی را می‌توان در نمونه‌های زیر مشاهده کرد:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
طلا	/tælə/	/tələ/
پنیر	/pænir /	/pənir/

1. lenition
2. centralization
3. cardinal vowels

فرار	/færār/	/fərār/
نگرگ	/tægærg/	/təqərq/
سلام	/səlām/	/səlām/
تور	/tænür/	/tənir/

برای پی بردن به صورت زیربنایی در این مورد می‌توان دو فرضیه را در نظر گرفت :
الف) واکه افتاده و پیشین æ صورت زیربنایی بوده و در گویش هندیونی بعد از همخوان به واکه مرکزی
ə تبدیل می‌شود:

æ → ə / c —

ب) واکه مرکزی ə صورت زیربنایی بوده و در زبان فارسی معیار به واکه افتاده و پیشین æ تبدیل
می‌شود:

ə → æ / c —

با توجه به اینکه که در زبان فارسی واکه ə وجود ندارد و هیچ شاهدهی هم از دوره میانه مبنی بر وجود
این واکه مرکزی در دست نیست، پس فرضیه دوم رد می‌شود و واکه æ صورت زیربنایی است که در
گویش هندیونی به واکه مرکزی ə بعد از همخوان تبدیل می‌شود.
این فرایند، غالباً در کلمات دوهجایی که هجای اول هجایی باز باشد عمل می‌کند. قاعده آن را
می‌توان به صورت ذیل نشان داد:

قاعده تبدیل /æ/ به /ə/:

$$\left(\begin{array}{l} - \text{همخوان} \\ + \text{افتاده} \\ - \text{پسین} \\ - \text{گرد} \end{array} \right) \rightarrow \left(\begin{array}{l} - \text{همخوان} \\ - \text{افراشته} \\ - \text{افتاده} \\ - \text{گرد} \end{array} \right) / \# C \text{ —}$$

بر اساس قاعده بالا، اگر در کلمات دو هجایی، هسته هجای اول /æ/ باشد به /ə/ تبدیل
می‌شود.

۳-۲-۴. حذف^۱

تحت تأثیر فرایند آوایی حذف، همخوان یا واکه یک هجایی از زنجیره گفتار حذف می‌شود (زعفرانو، ۲۶۷:۱۳۹۰). نمونه‌های زیر فرایند آوایی حذف همخوان را نشان می‌دهند.

الف) حذف همخوان /h/ از واژه‌های مختوم به /h/، در چنین مواقعی مصوّت ā نیز به /æ/ تبدیل می‌شود؛ مثال:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
چاه	/tʃāh/	/tʃæ/
راه	/rāh/	/ræ/
کاه	/kāh/	/kæ/

همخوان چاکنایی /h/ بعد از واکه‌ها در پایان کلمه حذف می‌شوند. قاعده این حذف به صورت زیر است:

$$\left[\begin{array}{c} c \\ \text{چاکنایی} \end{array} \right] \rightarrow \phi \quad \# \quad \& \quad \left[\bar{a} \right] \rightarrow \left[\text{æ} \right]$$

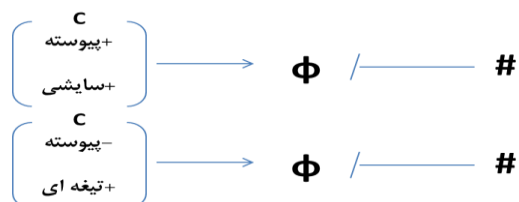
ب) حذف /v/ از انتهای واژه:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
گاو	/gāv/	/gā/

پ) حذف همخوان‌های /t/ و /d/ از انتهای واژه:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
راست	/rāst/	/ rās/
پوست	/püst/	/ püs/
دزد	/dozd/	/ dez/
ماست	/māst/	/ mās/
چند	/tʃænd/	/tʃæn/

همچنان که از داده‌های بالا برمی‌آید، انسدادی‌های تیغه‌ای در انتهای هجا حذف می‌شوند. قاعده این نوع حذف و نیز حذف /v/ از واژه‌های مختوم به /v/ به صورت زیر است:



۴-۲-۴. همگونی^۱

گاه یک همخوان در همنشینی با همخوان دیگر، برخی از ویژگی‌های آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن، مختصات آوایی همخوان مجاور را می‌پذیرد. این فرایند را که شاید یکی از همگانی‌های آوایی باشد همگونی گویند. چنانچه این فرایند موجب شود یکی از همخوان‌ها عیناً به صورت همخوان دیگر درآید، آن را همگونی کامل گویند و اگر همگونی، موجب همانندی کامل دو همخوان نشود آن را همگونی ناقص می‌گویند. همگونی می‌تواند پیشرو یا پسرو باشد. در همگونی پیشرو از دو همخوان همنشین، آن همخوانی که جایگاه نخستین را اشغال کرده است ثابت و بدون تغییر می‌ماند و همخوانی که در جایگاه دوم قرار دارد دستخوش همگونی می‌شود. در همگونی پسرو، از دو همخوان همنشین،

عمده فرایندهای واجی تضعیف در گویش هندیونی (۹۳-۱۰۸)-----آزاده عبادی و همکار ۱۰۱

همخوانی که در جایگاه دوم است ثابت می ماند و همخوانی که در جایگاه نخستین قرار دارد دستخوش همگونی می شود (نک: ابرکرمبی، ۱۹۶۳: ۶۰، جونز، ۲۱۸-۲۱۷: ۱۹۷۲، روکا و جانسون، ۱۹۹۹: ۳۴، آدن، ۲۰۰۵: ۵۷).

نمونه زیر همگونی کامل را می نمایاند؛ به علاوه /d/ پایانی نیز واگرفته می شود:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
مسجد	/ Mæsdʒed /	/ Mædʒdʒed /

نمونه زیر عملکرد فرایند همگونی ناقص را نشان می دهد:

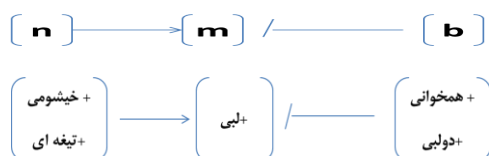
معنی	فارسی معیار	هندیونی
مشق	/ Mæʃq /	/ Mæʃx /

۱-۴-۲-۴. همگونی همخوان با همخوان

/n/ در بسیاری از زبانها و گویشها از جمله گویش هندیونی، با همخوان خیشومی همخوان لبی پس از خود همگون شده و تبدیل به /m/ می شود. داده های زیر این فرایند را نشان می دهند:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
تَبَک	/tonbæk/	/tombæk/
زنبیل	/zænbil/	/zæmbil/
تَباکو	/tænbākü/	/tæmbækü/
دنبه	/donbe/	/dombæ/

قاعده فرایند بالا را می توان به صورت زیر نمایش داد:



نوع دیگر از همگونی همخوان با همخوان، همگونی همخوان‌های تیغه‌ای انسدادی t,d با همخوان‌های سایشی s,z است. در این نوع همگونی، مشخصه نحوه تولید سایشی به انسدادی گسترده می‌شود. این نوع همگونی را در گویش هندیونی معمولاً در خوشه‌های همخوانی -st, -zd در یک واژه می‌توان یافت:

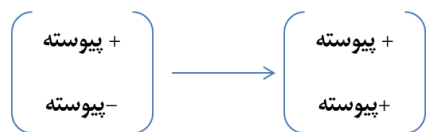
معنی	فارسی معیار	هندیونی
پسته	/peste/	/pessæ/
دزدکی	/dozdæki/	/dezzeji/
دسته	/dæste/	/dæssæ/
نزدیک	/næzdik/	/nezzik/
بسته	/bæste/	/bæssæ/
تابستان	/tābestān/	/towessün/
دزدی	/dozdi/	/dezzi/
دوازده	/dævāzdæh/	/dowezzæ/
هسته	/hæste/	/xæssæ/
زمستان	/zemestān/	/zemessün/

همانگونه که از شواهد فوق بر می‌آید، در خوشه‌های دو همخوانی -st,-zd همگونی، در مشخصه [پیوسته] از نوع کامل رخ می‌دهد:

-zd **—————>** **zz/z** **—————**

-st **—————>** **ss/s** **—————**

عمده فرایندهای واجی تضعیف در گویش هندیونی (۹۳-۱۰۸)-----آزاده عبادی و همکار ۱۰۳



نوع دیگر از همگونی همخوان با همخوان، همگونی همخوان‌های s, š با همخوان انسدادی ملازی q در برخی موارد است. در این نوع همگونی، مشخصه نحوه تولید سایشی به انسدادی گسترده می‌شود و همخوان انسدادی ملازی /q/ به سایشی ملازی /x/ تبدیل می‌شود؛ مثال:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
نقشه	/næqʃe/	/næxʃæ /
تقصیر	/tæqsir/	/tæxsir/
رقص	/ræqs/	/ræxs/
نقش	/næqʃ /	/ næxʃ/
رقصیدن	/ ræqsidæn/	/ræxsesæn/

به نظر می‌رسد در مواردی که همخوان انسدادی ملازی /q/ پیش از همخوان‌های سایشی /s,ʃ/ قرار می‌گیرد در مشخصه [پیوسته] همگونی رخ می‌دهد و همخوان /q/ به /x/ تبدیل می‌شود.

قاعده تبدیل q به x:

q → x / v _____ c



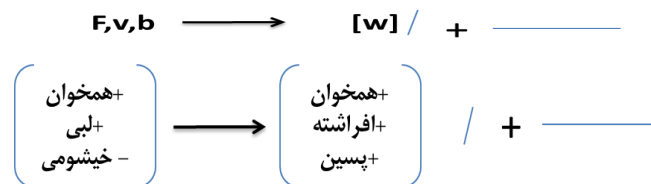
۴-۲-۴. تبدیل همخوانهای انسدادی یا سایشی (لبی) به غلت /w/

تضعیف همخوان‌های لبی غیر خیشومی و تبدیل آن‌ها به غلت /w/ در بسیاری از گویش‌های ایرانی از جمله گویش هندیونی دیده می‌شود:

معنی	فارسی معیار	هندیونی
سبز	/sæbz /	/sowz /
لب	/læb /	/low /
کبک	/kæbk /	/kowg /
آبگوشت	/ʔābgüft /	/ʔowgüft /
افسار	/ʔæfsār /	/ʔowsār /
آبله	/ʔābele /	/ʔowlæ /
آسیاب	/ʔāsĵāb /	/ʔāsĵow /
ناودان	/nāvdān /	/nowgæ /
گلاب	/golāb /	/golow /
آفتاب	/ʔāftāb /	/ʔæftow /
شب	/ʃæb /	/ʃow /

همخوان‌های لبی غیر خیشومی /b, f, v/ در آغاز و پایان هجا تضعیف شده و به غلت /w/ تبدیل می‌شوند.

قاعده تضعیف همخوان‌های لبی غیر خیشومی در آغاز هجا در گویش هندیونی به صورت زیر نمایش داده می‌شود:



در گویش هندیونی، قاعده تضعیف همخوان‌های لبی غیر خیشومی در پایان هجا به صورت زیر است:

$$f, v, b \longrightarrow [w] / \text{_____} +$$

$$\left(\begin{array}{c} +\text{همخوان} \\ +\text{لیبی} \\ -\text{خیشومی} \end{array} \right) \longrightarrow \left(\begin{array}{c} +\text{همخوان} \\ +\text{افراشته} \\ +\text{پسین} \end{array} \right) / \text{_____} +$$

این قواعد نشان می‌دهند که همخوان‌های لبی غیر خیشومی به ترتیب در آغاز و پایان هجا به غلت /w/ تبدیل می‌شوند. تبدیل همخوان‌های /f, v, b/ به /w/ بر واکه هسته هجا تأثیر گذاشته و مشخصه پسین از غلت /w/ به واکه هسته گسترده می‌شود و آن را به واکه‌ای پسین تبدیل می‌کند؛ به عبارت دیگر، نوعی همگونی بین غلت /w/ و واکه قبلی صورت می‌گیرد. به علاوه واکه‌های /ā/ و /æ/ قبل از غلت /w/ نیز از مشخصه [+افتاده] به واکه میانی /o/ ارتقا می‌یابند:

$$\text{ä, a} \longrightarrow o / \text{_____} w+$$

$$\text{ä, a} \longrightarrow o / +w \text{_____}$$

$$\left(\begin{array}{c} v \\ +\text{افتاده} \\ \alpha \text{پسین} \end{array} \right) \longrightarrow \left(\begin{array}{c} v \\ -\text{افتاده} \\ +\text{پسین} \end{array} \right) / \text{_____} \left(\begin{array}{c} c \\ +\text{پسین} \\ +\text{افراشته} \end{array} \right) +$$

$$\left(\begin{array}{c} v \\ +\text{افتاده} \\ \alpha \text{پسین} \end{array} \right) \longrightarrow \left(\begin{array}{c} v \\ -\text{افتاده} \\ +\text{پسین} \end{array} \right) / + \left(\begin{array}{c} c \\ +\text{پسین} \\ +\text{افراشته} \end{array} \right) \text{_____}$$

۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر جهت بررسی فرایندهای واجی تضعیف موجود در گویش هندیونی در چارچوب واج‌شناسی زایشی انجام شده و در پی پاسخگویی به پرسش‌های ذیل بود:

۱. فرایندهای تضعیف در چه جایگاهی از هجا واقع می‌شوند؟

۲. بسامد و فراوانی کدام یک از فرایندهای واجی تضعیف در گویش هندیونی بیشتر است؟

نتایج حاصل از بررسی داده‌ها حاکی از آن است که فرایندهای تضعیف در گویش هندیونی به ترتیب بسامد، شامل همگونی، مرکزی شدگی و حذف‌اند. دامنه عملکرد فرایند تضعیف در پایان هجا است. همگونی موجود در گویش هندیونی، اغلب از نوع همگونی همخوان با همخوان بوده و همگونی در شیوه تولید به همگونی کامل منجر می‌شود. واژه /æ/ که در زبان فارسی معیار وجود دارد، در گویش هندیونی، در پایان هجا به /ə/ تبدیل می‌شود. در گویش هندیونی، همخوان‌های h, v, t, d در انتهای هجا یا واژه حذف می‌شوند.

منابع

کتاب‌ها

- اگرادی، ویلیام، دابروولسکی، مایکل، آرنف (۱۳۸۰)، درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر، ترجمه علی درزی، تهران: انتشارات سمت.
- بی جن خان، محمود (۱۳۸۴)، واج‌شناسی نظریه بهینگی، تهران: انتشارات سمت.
- زعفرانلو، عالیه (۱۳۹۰)، واج‌شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد، تهران: انتشارات سمت.

پایان نامه‌ها

- شعبانی، غلامرضا (۱۳۸۴)، «بررسی و توصیف آواشناسی و واژگان گویش هندیونی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.
- عبادی، آزاده (۱۳۸۸)، «گویش ماهشهری، بررسی اصول مرجع‌گزینی در آن بر پایه نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی و بررسی عوامل انسجام بخش متنی در این گویش بر اساس چارچوب هلیدی و حسن (۱۹۷۶)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس.

مجلات

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۴)، «برخی تغییرات آوایی و فرایندهای واجی فعال در گویش مازندرانی»، ویژه‌نامه گویش‌شناسی نامه فرهنگستان، دوره اول، شماره ۳، صص ۵-۱۲.
- افشار، ایرج (۱۳۳۴)، «کتاب‌شناسی زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد سوم.
- راس، نیکلا (۱۳۳۲)، «فهرست مآخذ زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی»، فرهنگ ایران زمین، دفتر اول، جلد اول.
- شیرازی، طاهره سیما و دیگران (۱۳۸۹)، «بررسی فرایندهای واجی کودکان فارسی زبان تا ۴ ساله»، مجله توانبخشی، دوره هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۸، ش ۳۷، صص ۱۷-۲۳.
- کرد زعفرانلو، عالیه و منصور شعبانی (۱۳۸۶)، «برخی از فرایندهای واجی در گویش گیلکی رودسر»، فصلنامه زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۲۱-۳۸.
- کرد زعفرانلو، عالیه و الهام ثباتی (۱۳۹۲)، «فرایندهای واجی همخوانی در گویش کردی کلهری»، مجله جستارهای زبانی، ش ۳۲-۱، صص ۱-۳۲.
- کردی، رسول (۱۳۹۰)، «فرایندهای واجی در زبان و ادب فارسی»، مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ش ۳، بهار ۱۳۹۰، صص ۶۸-۷۳.

منابع لاتین

- Abercrombie, D. (1967). *Elements of General Phonetics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Catford, J. C. (2001). *A Practical Introduction to Phonetics*, 2nd edition, New York: Oxford University Press.
- Crystal, David. (1992). *An Encyclopedic Dictionary of Language and Languages*, Blackwell.
- Crystal, David. (2003). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Blackwell.
- Jones, D. (1972). *An outline of English Phonetics*, 9th edition, Cambridge: Cambridge University Press.

- Kenstowicz, M.(1994). *Phonology in Generative Grammar*, Oxford: Blackwell.
- Kul, M.(2007). *The Principle of Least Effort Within the Hierarchy of Linguistic Preferences: External Evidence from English*, Ph.D. dissertation, Poznan, Adam Mickiewicz University.
- Meyer, Charles F. (2009). *Introducing English linguistics*, New York: Cambridge University Press.
- Odden, D. (2005). *Introducing phonology*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Roca,L.,Johnson,W.(1999). *A Course in phonology*, Oxford: Blackwell Publishing.